نگاه

کمک‌رسانی به غیرنظامیان

مریم باقی: نیاز انسان‌ها در هر کجای زمین وجدان بشری را به ارائه کمک وامی دارد. به همین علت این کمک‌ها گاه پا را از مرزها فراتر می‌گذارد، به سرزمینی دیگر روانه می‌شود و جنبه بین‌المللی می‌یابد. به این خدمات انسانی «کمک‌های بشردوستانه» می‌گویند. کمک‌های بشردوستانه بخشی از حقوق بشردوستانه هستند. حقوق بشردوستانه حمایت از مجروحان و آسیب‌دیدگان جنگی، میراث فرهنگی، افراد، اموال و اماکن غیرنظامی و حتی حمایت از حقوق نسبت به نظامیان و . . . را دربرمی‌گیرد. کمک‌های بشردوستانه نیز در دایره این حقوق شمرده می‌شوند که نسبت به مجروحان و بیماران نظامی در جنگ و نیز غیرنظامیان موضوعیت دارد. کمک‌های بشردوستانه آن‌گاه که در داخل مرزهای یک کشور ارائه می‌شود وظیفه هموطنان فرض می‌شود و چالش حقوقی برنمی‌انگیزد اما زمانی که خدمات میان کشورها رد و بدل می‌شوند مناقشه می‌سازد. چنانچه در یک درگیری یا بلیه طبیعی در داخل یک سرزمین یا میان سرزمین‌ها صورت گیرد، کشورهای خارجی یا ثالث که بخواهند اقدام به کمک به کشور یا کشورهای درگیر ناملایات و نزاع کنند آیا باید به خدمات آنان اجازه ورود داد؟

۱- منابع عمده حقوق بشردوستانه به پرسش‌هایی از این دست پاسخ صریح و قاطعانه داده‌اند. از جمله مهمترین آنها ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو است که اعلام می‌دارد: «هر دولت متعاهد به کلیه محمولات دارو، لوازم بهداری و اشیای لازم جهت مراسم مذهبی که منحصراً برای نفوس دولت متعاهد دیگر ولو دشمن فرستاده شود، آزادی عبور اعطا خواهد کرد.» این ماده با تاکید بر وظیفه دولت‌ها برای اجازه عبور خدمات حتی برای دشمنان، موانع را بر سر کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی برداشته است. علاوه بر این ماده مذکور برای برخی از افراد حمایت بیشتر یا به عبارتی تبعیض مثبت قائل شده و می‌افزاید: «هرگونه محصولات خواروبار ضروری، لباس و مواد مقوی به‌خصوص اطفال کمتر از ۱۵ سال، زنان باردار یا تازه‌زا» باید آزادی عبور از مرز را داشته باشد.

۲- به هیچ عنوان نمی‌توان از عدم امکانات و امدادرسانی به نیازمندان در حوادث و غیرنظامیان به‌عنوان حربه جنگی استفاده کرد. همچنان که ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو درخصوص مخاصمات داخلی با صراحت و به‌طور مطلق ایجاد قحطی برای شهروندان را به‌عنوان وسیله رزمی ممنوع کرده است. این ماده ایجاد قحطی و جلوگیری از امداد که به حیات فرد لطمه وارد می‌کند به منظور در تنگنا قرار دادن افراد غیرنظامی ممنوعیت خواهد داشت. حقوق بشردوستانه، کمک‌های بشردوستانه و مداخله بشردوستانه در واژه بشردوستی مشترکند. هر سه مفهوم برای بشردوستی شکل گرفته‌اند اما کمک‌های بشردوستانه اخص از حقوق بشردوستانه است و متمایز از مداخله بشردوستانه. مداخله بشردوستانه در حقوق پیش از جنگ تفسیر می‌شود درحالی که کمک‌های بشردوستانه در حقوق پس از جنگ و مصائب مورد نظر است. کمک‌های بشردوستانه به هیچ عنوان مداخله بشردوستانه شمرده نمی‌شود و باید با توجه به اصول انسانیت، بی‌طرفی و عدم تبعیض ناروا (که در ماده ۷۰ پروتکل اول راجع به درگیری‌های بین‌المللی و ماده ۱۸ پروتکل دوم درباره منازعات داخلی قید شده) صورت گیرد.

تناسب در هدایت عملیات نظامی

فردریک گوان*

عکس: عباس کوثری، شرق

از زمان آغاز درگیری‌ها در لبنان، بسیاری از روزنامه‌ها به نامتناسب بودن عملیات اسرائیل اشاره داشته‌اند و لذا ضروری به‌نظر می‌رسد مفهوم دقیق اصل «تناسب» در چارچوب حقوق بین‌المللی بشردوستانه تبیین شود تا خواننده خود دریابد آیا این مفهوم بنیادین حقوق بین‌المللی بشردوستانه در شرایط کنونی نقض شده است یا خیر.

■ **تشریح وضعیت**

تلفات و خسارات بر جمعیت غیرنظامی یکی از حقایق تلخ درگیری‌های مسلحانه است که می‌تواند نتیجه حمله مستقیم یا عامدانه علیه غیرنظامیان یا اموال غیرنظامی باشد. با این حال در مواردی اینگونه لطمات نتیجه ناخواسته عملیات نظامی علیه اهداف نظامی است؛ برای نمونه در مواردی که اطلاعات واصله در خصوص هدف صحیح نباشد (یعنی هدف انبار مهمات فرض شده اما در واقع سرپناه پناهندگان است) غیرنظامیان آسیب می‌بینند یا ممکن است سلاحی که به سمت یک هدف نظامی هدف‌گیری شده به خطا رفته و به خانه‌های غیرنظامیان در نزدیکی آن هدف برخورد کرده و باعث تلفات میان غیرنظامیان شود. هنگامی که شرایط زیر بر درگیری‌های مسلحانه حاکم باشد احتمال آسیب‌دیدن یا ایراد خسارت به غیرنظامیان افزایش می‌یابد:

■ زمانی که اموال غیرنظامی در نزدیکی اهداف نظامی که مورد حمله قرارمی‌گیرند، باشند.

■ رزمندگان در میان غیرنظامیان باشند.

■ غیرنظامیان در مکان‌هایی که اهداف نظامی به‌شمار می‌روند کار کنند مانند کارگران یک کارخانه مهمات‌سازی.

■ از برخی تسلیحات برای اهداف نظامی و غیرنظامی استفاده شود، برای نمونه نیروگاه تولید برق که هم برای سیستم دفاعی هوایی و هم برای فعالیت بیمارستان‌ها، پل‌ها و انتقال نظامیان به جبهه ضروری بوده و همچنین برای حمل و نقل غیرنظامیان کاربرد دارد.

■ از غیرنظامیان به عنوان سپر اهداف نظامی استفاده شود.

در تمامی موارد اشاره شده با این‌که حمله نظامی ضروری به نظر می‌رسد اما در چنین شرایطی لزوم بشردوستانه حمایت از غیرنظامیان، جمعیت غیرنظامی و اموال غیرنظامی نیز تا حد ممکن وجود دارد. چگونه می‌توان این منافع به ظاهر متعارض را با یکدیگر آشتی داد؟ پاسخ این پرسش در اعمال اصل تناسب طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه ناظر بر هدایت عملیات نظامی نهفته است.

قواعد حقوق بشردوستانه، حق طرف‌های درگیر در استفاده از ابزارها و روش‌های جنگی مورد انتخاب محدود می‌شود.

کل مجموعه حقوق درگیری‌های مسلحانه به منظور برقراری تعادل متناسبی میان ضرورت‌های جنگ و مقتضیات بشردوستانه است. در هیچ کجای حقوق بین‌المللی بشردوستانه، حتی به طور ضمنی، اولویتی برای مقتضیات نظامی وجود ندارد. اصول مندرج در کنوانسیون‌های گوناگون دقیقاً به منظور تعیین این محدودیت تنظیم شده‌اند و اصل تناسب نیز در راستای تحقق همین هدف است. حمله نامتناسب: «حمله‌ای که انتظار می‌رود باعث از بین‌رفتن اتفاقی حیات غیرنظامیان، آسیب به غیرنظامیان، خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموع آن شده و از مزیت نظامی دقیق و مستقیم پیش‌بینی شده فراتر باشد.»

هرگونه حمله مغایر با اصل تناسب نقض فاحش پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ بوده و دولت‌ها را ملزم می‌کند علیه مرتکبان احتمالی آن متوسل به اقدامات کیفری شوند. مقررات پروتکل اول الحاقی صرفاً برای دولت‌های عضو این معاهده الزام‌آور است (برای نمونه ایران، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل عضو این معاهده نیستند) اما با این حال اصل تناسب جزء حقوق بین‌المللی عرفی بوده و لذا برای همه دولت‌ها و حتی طرف‌های درگیری که دولت نیستند، الزام‌آور می‌باشد. به‌علاوه اصل تناسب که در حقوق بین‌المللی عرفی نیز منعکس شده در هرگونه درگیری مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی اعمال می‌شود.

■ **مزیت نظامی حملات**

در نخستین گام فهم عبارت «مزیت نظامی دقیق و مستقیم» از اهمیت بسیاری برخوردار است. شاید نتوان به قدر کافی براهمیت این نکته که مزیت پیش‌بینی شده باید مزیت نظامی داشته باشد تاکید کافی داشت. عبارت «دقیق و مستقیم» به منظور بیان این مطلب است که مزیت مورد نظر باید مهم و به طور تقریبی قابل دستیابی باشد و مزیت‌هایی که به سختی قابل شناسایی بوده و یا در طولانی‌مدت به‌دست می‌آیند از این مقوله خارج شوند. پیش از تصمیم‌گیری در خصوص آغاز حمله باید احتمال فراتر بودن خسارات یا لطمه‌های جانبی آن ارزیابی شود. بر این مبنا، آغاز حمله یا حملات با این تصور خوشبینانه که در نهایت خسارات یا لطمات جانبی فراتر از حد نخواهد بود، نقض قانون است. این تفسیر به وضوح از عبارت «دقیق و مستقیم» برداشت می‌شود. عملکردهای مختلف طی درگیری‌های اخیر نشانگر وجود تمایل برای استفاده مزیت نظامی در معنای وسیع خود است. پس از تصویب پروتکل اول الحاقی برخی دولت‌ها اعلام کردند مزیت نظامی به معنای مزیت قابل پیش‌بینی از حمله به طور کلی و نه مرحله خاصی از یک حمله می‌باشد.

■ **تناسب خسارت جنگی**

لازم است در اینجا به وزنه دیگر این تعادل توجه کنیم. خطری که متوجه جمعیت غیرنظامی و اهداف غیرنظامی می‌شود به عوامل متعددی بستگی دارد: مکان آنها (قرار گرفتن در محل اهداف نظامی یا نزدیکی آن)، شرایط مکانی، دقت سلاح‌های مورد استفاده (پراکندگی بیشتر یا کمتر، خط سیر، محدوده، مهمات مورد استفاده و . . .)، شرایط آب و هوایی (توانایی دید، وزش باد و . . .)، ماهیت خاص اهداف نظامی مورد نظر (انبار مهمات، انبارهای سوخت، جاده‌های اصلی که از اهمیت نظامی برخوردار بوده و در مناطق مسکونی یا در نزدیکی آن قرار دارند)، مهارت‌های فنی رزمندگان (بمباران تصادفی هنگامی که امکان اصابت به هدف وجود ندارد). همه این عوامل در کنار یکدیگر برای درنظر گرفتن احتمال برخورد احتمالی به افراد و اموال غیرنظامی در جریان یک حمله باید درنظر گرفته شوند. به هنگام در نظر گرفتن خسارات وارده بر غیرنظامیان به منظور تعیین آن که حمله خاص ناقض اصل تناسب بوده یا خیر این مسئله مطرح می‌شود که چه خسارت‌هایی در رابطه با معیار تعادل در پروتکل اول الحاقی پیش‌بینی شده است. برای نمونه حمله به زیربناهای ارتباطاتی و انرژی که ممکن است در شرایط خاص یک هدف نظامی منظور شود منجر به خسارات فرعی بر زندگی آینده جمعیت غیرنظامی می‌شود. پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم نیز محتملند؛ برای نمونه مرگ بیماران، اختلال طولانی‌مدت در زندگی جمع کثیری از مردم به دلیل نابودی تاسیسات تامین آب و برق. هنگامی گسترش مفهوم مزیت نظامی منطقی است که تاثیرات غیرمستقیم ناشی از آن نیز در نظر گرفته شود یعنی آن اثراتی که صورت مستقیم و فوری از حمله ناشی نمی‌شود اما نتیجه عملی آن است. به نظر ما همین مسئله بایستی در مورد مزیت نظامی و خسارات وارده بر غیرنظامیان اعمال شود، بدان معنا که مزیت نظامی قابل پیش‌بینی در یک عملیات نظامی خاص باید نسبت به لطمات اتفاقی قابل پیش‌بینی بر جمعیت غیرنظامی یا خسارت چنین عملیاتی که شامل تاثیرات غیرمستقیم نیز می‌شود، سنجیده شود. در نظر گرفتن این تاثیرات، عامل باید ارزیابی دقیقی در خصوص این تعادل انجام دهد. در چنین ارزیابی ارزش‌های مشابه با هم سنجیده می‌شوند. در اینجا فرمانده باید میان ارزش‌های گوناگون یعنی میان مزیت نظامی از یک سو و لطمات غیرنظامیان و خسارت از سوی دیگر، تعادل برقرارکند. گروهی از کارشناسان پیشنهادکرده‌اند: «احتمال نمی‌رود یک وکیل حقوق بشری و یک فرمانده نظامی باتجربه ارزش نسبی یکسانی برای مزیت نظامی و لطمات به غیرنظامیان قائل شوند. همچنین به نظر نمی‌رسد فرماندهان نظامی با پیشینه‌های عقیدتی و درجات مختلفی از تجارب جنگی یا تاریخ نظامی ملی در موارد مشابه با یکدیگر موافق باشند. به عنوان آخرین نکته عنوان می‌شود در تحلیل متابعت از استاندارد تناسب مندرج در پروتکل اول الحاقی فهم افراد تعیین‌کننده نیست بلکه حقایقی که فرمانده در زمان تصمیم به حمله در اختیاردارد، مهم است.

■ **اولویت منافع غیرنظامیان**

این واقعیت وجود دارد که اصل تناسب به دلیل ابهامات ناشی از زبان دارای ضعف‌هایی است که خود باعث می‌شود اعمال این اصل در برخی موارد دچار مشکل شود. عدم تناسب میان لطمات و خسارات وارده و مزیت نظامی قابل پیش‌بینی مشکل پیچیده‌ای ایجاد می‌کند: در چنین وضعیت پیچیده‌ای منافع جمعیت غیرنظامی باید بر هر اقدام دیگری اولویت داشته باشد. باید به خاطر داشت که بر طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه همواره بایستی در تفکیک قائل شدن بین جمعیت غیرنظامی و غیرنظامیان و اموال غیرنظامی دقت به‌عمل آید. حقوق بین‌المللی بشردوستانه هرگونه لطمه یا خسارتی را که حمله‌کننده می‌تواند به طور معقول از آن جلوگیری نماید، منع می‌کند. این حقوق همچنین مقرر می‌دارد همه اقدامات احتیاطی قابل پیش‌بینی در گزینش روش‌ها و ابزارهای حمله به منظور ممانعت، به‌حداقل رساندن یا از بین‌رفتن اتفاقی حیات غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و آسیب به اموال غیرنظامی اعمال شود. به علاوه، چنانچه امکان گزینش میان اهداف نظامی متعددی وجود داشته باشد که حمله به هر یک از آنها مزیت نظامی مشابهی را حاصل می‌کند، باید حمله‌ای که از آن انتظار کمترین خطر به حیات غیرنظامیان و اموال غیرنظامی می‌رود، انتخاب شود. این تدابیر احتیاطی حتی در مواردی که در حمله به یک هدف نظامی مشروع انتظار نمی‌رود منجر به ورود لطمات یا آسیب‌هایی به غیرنظامیان شود نیز اعمال می‌شود. در نتیجه، قاعده تناسب در هدایت مخاصمات به منظور ایجاد تعادل مناسبی میان مقتضیات انسانی و ضروریات جنگ ایجاد شده‌است. این قاعده آنگونه که باید از وضوح برخوردار نیست اما در شرایط حاکم بر تصویب پروتکل اول الحاقی میان منافع متعارض سازش معقولی برقرار کرد و تلاش قابل ستایشی برای اعمال محدودیت در جایی است که رفتار خودسرانه در آن معمول بود. وجود گونه‌ای اعمال صلاحیت برای فرماندهان نظامی که باید نسبت به حمله تصمیم‌گیری کنند، امری ضروری به نظر می‌رسد چرا که به آنان امکان درنظرگرفتن شرایط متغیر درگیری را می‌دهد؛ به طور خلاصه هنگامی که جمع‌آوری همه اطلاعات مرتبط برای ارزیابی کامل متناسب بودن حمله وجود ندارد. با این حال پارامترهای چنین تصمیمی باید دقیق باشند تا جلوی هرگونه خودمختاری در تصمیم‌گیری گرفته شود. امری که برای حمایت از جمعیت غیرنظامی ضروری بوده و باعث می‌شود اعمال تناسب آشکارتر و انسانی‌تر باشد.

* هماهنگ‌کننده ارتباطات کمیته بین‌المللی صلیب سرخ

گزارش خبری

کشتار آگاهانه غیرنظامیان

علی محمدی: سازمان دیده‌بان حقوق‌بشر طی گزارشی که در تاریخ ۳ آگوست منتشر کرده به این نتیجه رسیده است که نیروهای نظامی اسرائیل نتوانسته‌اند در حملات خود علیه حزب‌الله لبنان بین نظامیان و غیرنظامیان تفکیک قائل شوند. بررسی بیش از ۲۰ مورد از حملات اسرائیل به جنوب لبنان که توسط کارشناسان این سازمان صورت گرفته نشان می‌دهد که این عدم توانایی در تفکیک نمی‌تواند تصادفی بوده باشد و نیروهای حزب‌الله را نمی‌توان در این وضعیت مقصر دانست. حتی این حملات بعضاً جنایت جنگی محسوب می‌شوند. این گزارش ۵۰ صفحه‌ای با عنوان «حملات بدون تفکیک اسرائیل در لبنان علیه غیرنظامیان» به بررسی حملات هوایی و توپخانه‌ای اسرائیل بر خانه‌ها و خودروهای غیرنظامیان پرداخته است. «کنس راس» دبیر اجرایی دیده‌بان حقوق‌بشر در این‌باره می‌گوید: «ساختار حملات نشان می‌دهد که نیروهای نظامی اسرائیل کوچک‌ترین توجهی به حفظ جان غیرنظامیان در جنوب لبنان ندارند و تحقیقات ما نشان می‌دهد که ادعای اسرائیل مبنی بر مخفی‌شدن مبارزان حزب‌الله در میان غیرنظامیان، نمی‌تواند توجیهی برای جنگ بدون تفکیک و تغییر اسرائیل باشد.» براساس این گزارش دیده‌بان حقوق‌بشر همچنین درباره سلاح‌های مورد استفاده اسرائیل در این جنگ تحقیقاتی را انجام داده و به این نتیجه رسیده است که در موارد متعددی از حملات اسرائیل به جنوب لبنان که با صدمات گسترده به غیرنظامیان همراه بوده از نظر اهداف نظامی و جنگی، کوچک‌ترین پیشرفتی عاید این دولت نکرده و به عبارت دیگر میان هزینه‌های غیرنظامی و فواید نظامی این حملات، تناسب اندکی وجود دارد. در بسیاری از موارد نیروهای اسرائیلی به مناطقی حمله کرده‌اند که در آن هیچ هدف نظامی وجود نداشته است و به‌نظر می‌رسد که این نیروها عمداً غیرنظامیان را هدف قرار داده‌اند. برای مثال در یک مورد حمله هوایی اسرائیل در تاریخ ۱۳ جولای خانه یک روحانی هدف قرار گرفت که گفته می‌شد هوادار نیروهای حزب‌الله است. درحالی که ثابت شد وی هیچ مشارکتی در این مخاصمات نداشته است و حتی اگر نیروهای اسرائیل او را به‌عنوان یک هدف نظامی مشروع نیز تلقی می‌کردند (که از نظر دیده‌بان حقوق‌بشر هیچ مدرکی بر این ادعا یافت نشده است) باز هم توجیهی برای کشته‌شدن همسر و ۱۰ فرزند او و خدمتکار سریلانکایی آنها وجود نداشت. در مورد دیگری در همین تاریخ، نیروهای هوایی اسرائیل خانه‌ای را در روستای عیترون بمباران کردند که منجر به کشته‌شدن ۱۱ عضو این خانواده شد که در بین آنها هفت نفر تابعیت کانادایی - لبنانی داشتند و مشغول گذراندن تعطیلات خود در لبنان بودند. دیده‌بان حقوق‌بشر به‌طور جداگانه با سه نفر از ساکنان این روستا صحبت کرد و ایشان در اظهارات خود منکر هرگونه ارتباطی میان کشته‌شدگان با حزب‌الله بودند. «کنس راس» معتقد است که هشدارهای اسرائیل برای تخلیه این مناطق و انجام حملات قریب‌الوقوع موجب نمی‌شود که غیرنظامیان به اهداف نظامی تبدیل شوند. چرا که در این صورت نیروهای فلسطینی نیز می‌توانند با هشدار به شهرک‌نشینان اسرائیلی حمله به ایشان را عادلانه تلقی کنند و نتیجه این امر جز کشتار وسیع غیرنظامیان، چیز دیگری نخواهد بود.